

کاربست تحلیل مضمون آتراید استرلینگ در واکاوی شاخص‌های مدل حکمرانی شهر هوشمند در راستای بهبود توسعه اجتماعی بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

حوریه عابدپور^۱، احمد رضا کسرائی^{۲*}، محمد علی کرامتی^۳، حسن مهرمنش^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر باهدف واکاوی شاخص‌های مدل حکمرانی شهر هوشمند در راستای بهبود توسعه اجتماعی بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی انجام شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، مدیران شهرداری و برنامه ریزان شهری باسابقه تدریس حداقل ۱۵ سال و دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند. انتخاب افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند با ملاک سابقه تدریس در دوره تحصیلی ابتدایی انجام گردید. نمونه‌گیری با مشارکت ۱۸ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، شامل دو بخش، ۱- بررسی و کنکاش اسناد بالادستی، اسناد برنامه ریزی شهری در بخش کتابخانه‌ای، ۲- مصاحبه نیمه ساختاریافته در بخش میدانی بود که مصاحبه نیمه ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون براساس الگوی آتراید-استرلینگ استفاده شد. به منظور حصول اطمینان از روایی، سؤالات مصاحبه مورد تأیید ۳ نفر از صاحب‌نظران باتجربه مدیریت و برنامه ریزی شهری که ۱ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲ نفر دارای مدرک دکتری بودند قرار گرفت. و به منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کریپندورف استفاده گردید که مورد تأیید قرار گرفت. در قسمت تحلیل مضمون از نرم افزار ATLASTI استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که از میان ۱۷۶ شاخص (گویه) موجود، ۳۳ مضمون پایه قابل شناسایی است و ۹ دسته مضمون سازنده به دست آمده است. ۹ مضمون سطح اول شناسایی شده عبارتند از: حکمرانی هوشمند، تعامل هوشمند، پایداری هوشمند، همکاری بخش دولتی و خصوصی، یکپارچگی دانش، حمایت از نوآوری هوشمند، زیرساخت‌های هوشمند سازی، استراتژی‌های هوشمندی و اقتصاد هوشمند. نتایج بیانگر این است که خروجی اصلی تحقق شهر هوشمند و شهرداری الکترونیک فراهم شدن شرایطی برای ارائه خدمات با سالم‌ترین روش به شهروندان، از بین رفتن فساد، ایجاد فرصت‌های جدید کار و خدمت و تحول در بخش‌های اقتصادی و تجاری، نهادینه کردن توسعه اجتماعی افزایش حضور مؤثر بخش خصوصی و بهبود محیط کسب و کار، کاهش آسیب‌ها به محیط زیست، حکمروایی هوشمند و افزایش رضایت مردم است.

واژگان کلیدی: تحلیل مضمون آتراید استرلینگ، حکمرانی شهر هوشمند، عدالت شهری، مشارکت الکترونیکی.

^۱ گروه مدیریت فناوری اطلاعات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(E mail: abedpour@ut.ac.ir)

^۲ گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

(E mail: kasrai49@yahoo.com)

^۳ گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(E mail: mohammadalikeramati@yahoo.com)

^۴ گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(E mail: h_mehrmanesh@yahoo.com)

مقدمه

توسعه، توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های صاحب نظران علوم اجتماعی، نخبگان سیاسی و دولت‌های تاریخ معاصر در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. توسعه باور بنیادی دنیای نوین است و در توسعه تمامی پیشرفت‌های مدرن در علم، فن آوری، دموکراسی، ارزش‌ها، اخلاق و سازمان اجتماعی با طرح بشردوستانه ایجاد دنیایی به مراتب بهتر در می‌آمیزند. توسعه به معنای بهبودی در مجموعه‌ی شرایط بهم پیوسته‌ی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است (وانگ و ژیا^۱، ۲۰۲۲).

امروزه توسعه جنبه‌های مرتبط باحیات اجتماعی، همچون انسان، فرهنگ، سیاست، هنر، عدالت اجتماعی نیز مرتبط است. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عموم مردم است. در فراگرد توسعه ابعاد کیفی اساسی وجود دارد که فراتر از رشد یا گسترش یک اقتصاد از طریق فراگرد ساده توسعه است (برگ و لیدسکوگ^۲، ۲۰۱۸).

توسعه اجتماعی یکی از ابعاد توسعه است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد (براباکر^۳، ۲۰۱۷).

توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی است (دورسو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). توسعه اجتماعی به کیفیت زندگی انسان‌ها مربوط است و در این رابطه دو هدف بنیادی دارد هدف اول توزیع مجدد امکانات و منابع است برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها نظیر ثروت، درآمد، خدمات اجتماعی و سایر امکانات جامعه برای بالا بردن سطح زندگی اکثریت افراد جامعه، هدف دوم بیشتر جنبه فرهنگی دارد و شامل به رسمیت شناختن گروه‌ها و افراد متنوع جامعه و برابری حقوق اجتماعی آنها است به طوری که بتوانند مشارکت آزاد در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه داشته و خلاقیت‌های خود را به منصفه ظهور برسانند (درایزک^۵ و همکاران، ۲۰۱۹).

با روند جهانی توسعه شهرهای هوشمند پایدار، حاکمیت مشارکتی نقش اساسی در دستیابی به دولت هوشمند ایفا کرده است (لیم و همکاران^۶، ۲۰۲۲). این در تعریف تحقق شهر هوشمند که توسط کارالیگو^۷ (۲۰۱۱)، ارائه شده است مشهود است، که شهر زمانی هوشمند می‌شود که سرمایه گذاری در سرمایه انسانی و اجتماعی و زیرساخت‌های ارتباطی سنتی (حمل و نقل) و مدرن (ICT) باعث رشد اقتصادی پایدار و کیفیت بالای زندگی، با مدیریت خردمندانه منابع طبیعی، از طریق حاکمیت مشارکتی شود (چانتری^۸، ۲۰۲۲). علاوه بر این، براساس هدف اصلی شهر هوشمند (روسول و همکاران^۹، ۲۰۲۲)، حکمرانی هوشمند عمدتاً به حکمرانی مشارکتی اشاره دارد که بر مشارکت در تصمیم‌گیری و شفافیت از طریق کانال‌های ارتباطی جدید برای استفاده شهروندان، یعنی دولت الکترونیکی تأکید دارد (ملک و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۱؛ سیلوا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸).

¹ Wang Xia

² Berg, M., & Lidskog, R.

³ Brubaker, R

⁴ D'Urso,

⁵ Dryzek,

⁶ Lim et al.

⁷ Caragliu

⁸ Chantry

⁹ Rosol et al.

¹⁰ Malek et al.

¹¹ Silva et al.

دولت الکترونیک شامل ارائه خدمات آنلاین به شهروندان، آمادگی زیرساخت‌های مخابراتی و توسعه سرمایه انسانی است (آرتیوشینا^۱، ۲۰۲۰). به ویژه، برای ارائه خدمات آنلاین، دولت الکترونیک باید مشارکت شهروندان خود را در پلتفرم‌های الکترونیکی مانند وبسایت‌ها، برنامه‌های کاربردی تلفن همراه، رسانه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌های اینترنت اشیا (IoT) فعال و تسهیل کند. طراحی پلتفرم‌های الکترونیکی از طریق مشارکت الکترونیکی باید سه سطح را در نظر بگیرد، یعنی تصمیم‌گیری الکترونیکی، مشاوره الکترونیکی و اطلاعات الکترونیکی که همگی بیانگر حاکمیت مشارکتی با رویکرد عدالت اجتماعی است. بنابراین یکی از اصول اساسی دولت الکترونیکی در توسعه شهر هوشمند، عدالت شهری برای تساوی مشارکت شهروندی است (باتوس و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

در این میان با توجه به تصرف دارایی‌های عمومی، دولت‌ها تحت فشار هستند تا از صلاحیت‌های موجود در صنعت برای تدوین سیاست شهری «هوشمند» و ارائه خدمات شهری مبتنی بر فناوری از طریق مشارکت عمومی-خصوصی، اجاره، مقررات زدایی و رقابت در بازار و خصوصی سازی استفاده کنند. استدلال می‌شود که شهرها با توجه به ایده‌ها و سیستم‌های مدرن برای مدیریت شهرها در پشت منحنی فناوری قرار دارند. آن‌ها فاقد مهارت‌ها، دانش، منابع و ظرفیت‌های اصلی برای رسیدگی به مسائل مبرم شهری و حفظ خدمات و زیرساخت‌های حیاتی هستند که از نظر اجتماعی و فنی پیچیده‌تر می‌شوند و نیاز به مداخلات تخصصی چند لایه دارند (ویلیس و همکاران^۳، ۲۰۲۰).

شهر هوشمند نمادین‌ترین بیان معاصر از تلفیق شهرسازی و فناوری‌های دیجیتال است. محققان شهری انتقادی اکنون به طور فزاینده‌ای به احتمال زیاد بی‌عدالتی‌هایی را که با طرح‌های نوظهور شهر هوشمند ایجاد و تشدید می‌شود، برجسته می‌کنند و روشی را که این پروژه‌ها فضای شهری و سیاست شهری را به روش‌های ناعادلانه بازسازی می‌کنند، تشخیص می‌دهند (اسمیت^۴، ۲۰۲۰). ما در عصری زندگی می‌کنیم که دیجیتالی‌سازی، شبکه‌های دیجیتال، داده‌های بزرگ و زیرساخت‌های مبتنی بر اینترنت «واسطه‌گری و افزایش تولید فضا» هستند و با انجام این کار، «روابط اجتماعی-فضایی را تغییر می‌دهند» (اش و همکاران^۵، ۲۰۱۸). شهر هوشمند بیان نمادین این تحولات است که در آن داده‌ها، حسگرها و الگوریتم‌ها به عنوان راه حل‌های فنی برای مشکلات شهری ارائه می‌شوند (داتا^۶، ۲۰۲۰). پس از اینکه در ابتدا تحت سلطه دیدگاه‌های مثبت قرار گرفت، از حدود سال ۲۰۱۴ تعداد فزاینده‌ای از دیدگاه‌های انتقادی در مورد شهر هوشمند توسط جغرافی دانان و محققان شهری منتشر شده است (در میان بسیاری دیگر، کارلودو و همکاران^۷، ۲۰۱۹؛ کیچین^۸، ۲۰۱۶؛ لژچینسکی^۹، ۲۰۱۶؛ رز^{۱۰}، ۲۰۲۰)، که برخی از اولین و پر استنادترین نقدها منتشر شده است. شهرها به طور فزاینده‌ای به سمت هوشمند سازی حرکت می‌کند. یکی از مهم‌ترین شهر هوشمند حکمرانی هوشمند، عدالت شهری است. این بعد از هوشمند سازی شهرها بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مشارکت سیاسی و فعال شهروندان و ارائه خدمات مطلوب شهروندی دلالت دارد (وانولو^{۱۱}، ۲۰۱۹).

بیشتر این نقدها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به پرسش‌های عدالت شهری دامن می‌زند. با این حال، آن‌ها معنای مشخصی برای عدالت شهری در شهر هوشمند بیان نکردند (الوود^{۱۲}، ۲۰۲۰). در نتیجه، معنای عدالت در بحث‌های حیاتی شهر هوشمند مبهم و از لحاظ نظری توسعه نیافته باقی می‌ماند. بنابراین فرض می‌شود که روش‌هایی که عدالت در بحث‌های آکادمیک درباره شهرهای

¹ Artyushina

² Bastos et al.

³ Willis et al.

⁴ Smith

⁵ Ash et al.

⁶ Datta

⁷ Cardullo and Kitchin

⁸ Kitchin

⁹ Leszczynski

¹⁰ Rose

¹¹ Vanolo

¹² Elwood

هوشمند تعریف می‌شود، پیامد فرآیندها است، زیرا توانایی جمعی ما برای پاسخگویی به ادعاهای عدالت مشروط به همان مفاهیمی است که برای شناسایی و جبران بی‌عدالتی استفاده می‌شوند (بارکان و پولیدو^۱، ۲۰۱۷). برای تشخیص مفهوم انتزاعی عدالت برای بررسی شهر هوشمند با هدف تقویت این پدیده، از نظریه‌های مرتبط با عدالت اجتماعی استفاده می‌شود. فرض ابتدایی نظریه عدالت اجتماعی نانسی فریزر^۲ است.

رویکرد گسترده فریزر سه بعد متمایز و وابسته به هم و در عین حال متمایز از عدالت را ترکیب می‌کند که با هم برابری مشارکت را تضمین می‌کند (روبرا^۳، ۲۰۱۹). این سه بعد عبارتند از: توزیع مجدد (به بیان ساده: چه کسی چه چیزی را دریافت می‌کند)، شناخت (چه کسی شامل و شنیده می‌شود) و نمایندگی (چگونه تصمیم می‌گیریم که چه کسی چه چیزی را دریافت کند و این تصمیم‌گیری در کجا انجام شود). اگرچه فریزر این ابعاد را برای اهداف تحلیلی از هم جدا می‌کند، اما آنها به هم مرتبط هستند: توزیع مجدد و درمان نابرابری اقتصادی، به رسمیت شناختن شکست در برخورد با همه گروه‌های اجتماعی به طور یکسان، و شاخص عدم اطمینان از روند درست در مقیاس‌های مختلف است. بنابراین فریزر فراتر از نظریه‌های عدالت است که مسائل مربوط به بازتوزیع مادی، شناخت فرهنگی و بازنمایی سیاسی را جداگانه بررسی می‌کند (فریزر، ۲۰۰۵).

بنابراین، نقد مبتنی بر نظریه عدالت فریزر، تعاملی جامع و ظریف را با روش‌های ناهمواری که در آن حقوق، مسئولیت‌ها، وظایف، ظرفیت‌ها و فرصت‌ها در بسترهای شهری موجود تجربه می‌شوند را امکان‌پذیر می‌سازد که در آن دیجیتال‌سازی، شبکه‌های دیجیتال و زیرساخت‌های مبتنی بر اینترنت به طور فزاینده‌ای غالب و به عنوان یک هدف مهم توسعه شهری و خیر عمومی ذاتی ارائه می‌شود (کوهرل^۴، ۲۰۱۶).

بر اساس نظریه عدالت اجتماعی فریزر، در این تحقیق به شناسایی موضوع‌های کلیدی عدالت شهری در چارچوب شهر هوشمند بر اساس مفاهیم مشارکت شهروندی پرداخته می‌شود. با شناخت این مفاهیم، برای رویکردهای تحول آفرین به عدالت شهری استدلال می‌شود که در آن تلاش‌ها به سمت تصور و اجرای شهری عادلانه بر اساس اصول برابری مشارکت است. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخی برای این سؤال است که شاخص‌های حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی چگونه است؟

مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

بهبود توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی عبارت است از افزایش توانایی جوامع انسانی برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی‌ای که به مسأله‌ی بقای جوامع ارتباط می‌یابد. با توجه به عدم توانایی علم برای شناسایی تمامی ابعاد زندگی اجتماعی که با بقاء و زوال یک جامعه ارتباط می‌یابد، مفهوم توسعه اجتماعی مفهومی سیال است و با گسترش دانش بشری پیرامون مخاطراتی که بقای جوامع انسانی را تهدید می‌کنند این مفهوم ابعاد گسترده‌تری می‌یابد (فائولکنر و کافمن^۵، ۲۰۱۷). از این منظر جوامعی از نظر میزان توسعه اجتماعی در سطوح بالاتری قرار دارند که در مقایسه با سایر جوامع از نظر مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی عملکردها و واکنش‌های بهتری دارند و در نتیجه احتمال بقای خود را در مقایسه با سایر جوامع افزایش داده‌اند. به نظر می‌رسد این تعریف از جهاتی از مزیت‌هایی در مقایسه با سایر تعاریف ارائه شده برخوردار است. نخست این که با مبتنی کردن مفهوم توسعه اجتماعی بر یک نیاز بنیادین و مشترک در میان انسان‌ها و جوامع انسانی تا حدود بسیاری از نگرش‌های ارزشی که در بعضی موارد بر سایر تعاریف ارائه شده به

¹ Barkan and Pulido

² Nancy Fraser

³ Ribera

⁴ Köhler

⁵ Faulkner, N., & Kaufman, S.

شدت حاکم است و از این رو تعمیم آنها به جوامع مختلف را با مشکل مواجه می‌کند دوری می‌نماید (فیشکین،^۱ ۲۰۱۸). در ثانی با در نظر داشتن پیچیدگی‌های محیطی کلیه ابعادی که در تمامی تعاریف خاص ارائه شده از توسعه اجتماعی ذکر شده است در بر می‌گیرد. پیش از ورود به بحث شاخص‌های توسعه اجتماعی و با در نظر داشتن مطالب فوق معیار این مباحث برای ترجیح یک شاخص به شاخص دیگر در زمینه توسعه اجتماعی توانایی آن شاخص برای سنجش وضعیت کلی یک جامعه در ارتباط با پیچیدگی‌های محیطی مختلفی است که جوامع انسانی را احاطه کرده است. از این رو شاخصی موفق تر است که وضعیت جامعه را در ارتباط با پیچیدگیهای محیطی پیرامونش به صورت کامل تری مشخص کند (گودین،^۲ ۲۰۱۷).

از دیدگاه، وارنر (۱۹۵۸) توسعه اجتماعی شامل امکانات زندگی برای مردم جامعه است. ماکس وبر ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی را تبیین نموده و از نظر او شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسبتر و تجربیات زندگی شخصی بهتر. دیدگاه‌های مارکسیستی تأکید بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی نموده اند. دونگ کیم، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه، علاوه بر اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی، در جهت رسیدن به آن هدف نیز آنها را یاری می‌نماید (سائوکانی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد، توسعه اجتماعی را تدارک خدمات اجتماعی مورد نیاز شهروندان میدانند و بر بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی اصلاحات ارضی، توسعه محلی، ایمنی در برابر آسیب‌های طبیعی، توجه به بخش‌های گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان تأکید می‌کند (وو و چو،^۴ ۲۰۲۱). استیویس از توسعه اجتماعی به عنوان فرایند تحقق نیازهای اساسی مردم دستیابی به توزیع عادلانه ثروت به دست آمده در نتیجه رشد اقتصادی ایجاد سرمایه انسانی و اجتماعی، گسترش دامنه فرصت‌های افراد جوامع، ترویج عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر و از بین بردن فقر یاد میکند (بروباکر،^۵ ۲۰۱۷). توسعه اجتماعی دربرگیرنده بعدی از توسعه است که برکنشها و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی تأکید می‌ورزد و بر آنها تمرکز می‌کند (برگ و همکاران، ۲۰۱۸).

رویکرد بانک جهانی برای توسعه اجتماعی شامل موارد زیر است:

- ۱- بهبود مؤثر، پاسخگو و شفاف نهادها و حکمرانی خوب،
- ۲- ایجاد امکان دستیابی یکسان افراد و گروه‌های اجتماعی به فرصت‌های اقتصادی از راه از بین بردن موانع رسمی و غیررسمی اجتماعی و فرهنگی،
- ۲- بهبود جوامعی که حقوق انسانی و مدنی را می‌شناسد و حفظ می‌کند و از ارزش و جایگاه یکایک گروه‌های اجتماعی و افراد حمایت می‌کند.

در نشست جهانی برای توسعه اجتماعی کشورها در بیانیه نهایی در سه محور توافق حاصل شد:

- ۱) مردم ابزار توسعه هستند چگونگی زندگی مردم معیار اثربخش بودن توسعه است و مشارکت و مسئول بودن در پیشگامی برای توسعه عامل مهمی در کامیابی آنهاست،
- ۲) ارتباطات، فرهنگ‌ها و نهادها سرمایه اجتماعی جامعه هستند. به سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مدیریت سرمایه طبیعی بسیار توجه شده است، اما باید سرمایه اجتماعی بیشتری برای توسعه، شناسایی و تقویت شود،
- ۳) مردم، نهادها و جامعه، انگیزه توسعه هستند. برای اطمینان از اینکه اهداف و سیاست‌ها ممکن و مؤثرند، باید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و نهادی بهتر درک شود.

¹ Fishkin, J

² Goodin, R.

³ Goodin, R.

⁴ Wu, A. M., & Chou, K

⁵ Brubaker

مفهوم توسعه‌ی اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه به ویژه اخلاق توسعه‌ی اجتماعی برای حصول به همبستگی، وفاق اجتماعی و عدالت اجتماعی در جهت بالا بردن سطح کیفیت زندگی و افزایش ضریب امنیت اجتماعی تعریف و تعبیر می‌شود. بر اساس آخرین تعاریف سازمان ملل، توسعه‌ی اجتماعی فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در به زیستن و روابط اجتماعی می‌شود که منصفانه تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است (دورسو و همکاران، ۲۰۲۰).

هدف اصلی توسعه‌ی اجتماعی برآورده کردن کل نیازهای اساسی بشریت است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر با توجه به نیازها، گرایش‌ها و محدودیت‌ها فرق می‌کند و هدف کلیدی، بهبود کیفیت زندگی محسوب می‌شود (درایزک، ۲۰۱۹).

شهر هوشمند

شهرهای هوشمند با هدف مدیریت کارآمد شهرنشینی رو به رشد، مصرف انرژی، حفظ محیط سبز، بهبود استانداردهای اقتصادی و زندگی شهروندان خود و ارتقای توانمندی‌های مردم برای استفاده کارآمد و پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات مدرن (ICT) هستند (آلبینو و همکاران^۱، ۲۰۱۵).

تعاریف متعددی از آنچه که یک شهر را «هوشمند» می‌کند، وجود دارد، برای مثال، IBM شهر هوشمند را این گونه تعریف می‌کند: «شهری که از تمام اطلاعات به هم پیوسته موجود امروزی برای درک و کنترل بهتر عملیات آن و بهینه سازی استفاده محدود منابع می‌کند. با این حال، به طور خلاصه، یک شهر هوشمند از چارچوبی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای ایجاد، استقرار و ارتقای شیوه‌های توسعه برای مقابله با چالش‌های شهری و ایجاد زیرساخت‌های پیوسته با قابلیت فناوری و پایدار استفاده می‌کند (پیر و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

تفاوت شهر هوشمند با شهر الکترونیک

شهر هوشمند در درجه اول شامل توابع پژوهش، انتقال تکنولوژی، توسعه محصول و نوآوری فناوری، به عنوان بستر صنایع نوآورانه شبیه به شهر دانش است. باید قبول کرد که پارادایم شهرهای الکترونیکی در دنیا به اتمام رسیده و اکنون توسعه شهری نیازمند برنامه‌هایی فراتر از شهرهای الکترونی است. مفهومی که در آن برای تمام ابعاد مختلف زندگی انسانی برنامه ریزی‌های لازم شده باشد.

تفاوت عمده شهر الکترونیکی با شهر هوشمند این است که در شهر الکترونیکی، تاکید بیشتر بر روی زیرساخت‌های الکترونیکی است. شهر الکترونیکی به عنوان زیر ساخت یا سرمایه فیزیکی بیان می‌شود در صورتی که در شهر هوشمند بیشتر تاکید بر بعد اجتماعی و مردم هوشمند است و به عنوان سرمایه فکری و دانش ارتباطی با زیرساخت اجتماعی قلمداد می‌شود. دیگر تفاوت عمده میان شهر هوشمند و شهر دیجیتال، توانایی شهر هوشمند در پاسخگویی و حل مسائل شهری شهروندان تحت سلسله مراتبی پایین به بالا است. در شهرهای هوشمند از فناوری اطلاعات به عنوان یک ابزار، برای بهینه تر کردن زندگی و کار استفاده می‌شود. از دیگر تمایزهای مفهومی و عملی بین شهرهای دیجیتال و شهر هوشمند این است که از شهر هوشمند معمولاً به عنوان شهری که توانایی پشتیبانی از روش‌های یادگیری، توسعه فناوری و نوآوری را دارد یاد می‌شود. بدین ترتیب، هر شهر الکترونیکی الزاماً هوشمند نیست، اما هر شهر هوشمند دارای اجزای دیجیتال است.

عدالت شهری

عدالت فضایی یا محیطی به معنای بهرمندی همه سطوح شهر از خدمات عمومی می‌باشد تا جای که خدمات شهری به مثابه کالای

¹ Albino et al.

² Pierre et al.

عمومی است که نمی‌توان بخشی از مردم شهر را از آن محروم کرد. اجرای برنامه‌های مبتنی بر خدمات شهری که توسط شهرداری یا دیگر ارگان‌های مسئول در سطح یک شهر صورت می‌گیرد، بدون توجه به عدالت اجتماعی، خود نمودی از بی‌عدالتی است و پیاده‌سازی چنین خدماتی به معنای عدم برابری همه جامعه از امکانات شهری است و این امر هم نارسایی مدیریت یک شهر را به ما یادآوری می‌کند و هم اجرای چنین سیاستی موجب نارضایتی شهروندان خواهد شد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴).

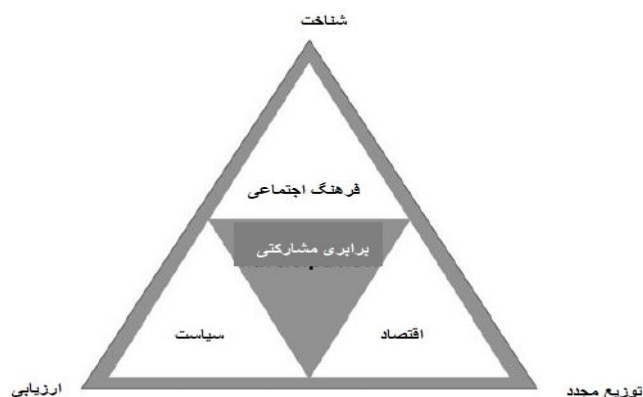
مشاهده می‌شود که بخشی از مناطق حاشیه شهرها با کمبود امکانات رو به رو است از جمله کمبود فضایی آموزشی، کمبود فضایی تفریحی، عدم زیباسازی منطقه، نبود مبلمان شهری، ضعف در خدمات یا کیفیت پایین خدمات و... در حالی که بخشی دیگری از شهر انبوهی از امکانات و خدمات شهری رفاهی نابرابر دارند. حتی کیفیت امکانات و خدمات عمومی نیز برای بخش‌های مختلفی از شهر با هم تفاوت دارد و این امر را می‌توان به فرض مثال از نحوه تعمیر و بازسازی امکانات پارک‌ها و خیابان‌ها معابر نیز دید. مدیریت شهری یعنی مدیریتی کنترل شده و برنامه ریزی شده برای دست یابی تمامی اقشار جامعه و شهروندان یک شهر از امکانات عمومی، است پس مفهوم عدالت شهری در گرو تأمین منابع و منافع برای تمامی اقشار جامعه است.

نظریه عدالت نانسی فریزر

نانسی فریزر که فیلسوفی شناخته شده در سطح بین‌المللی است، با کار خود، هم به نظریه فمینیستی و هم در تحلیل انتقادی سرمایه داری کمک کرده است. فریزر تأکید می‌کند که مبارزات برای عدالت باید در سه زمینه - اقتصادی، فرهنگی، سیاسی - مبارزه شود تا اصل برابری مشارکت تضمین شود، یعنی «ترتیب اجتماعی که به همه اعضای (بزرگسال) جامعه اجازه می‌دهد تا با یکدیگر به عنوان همسالان تعامل داشته باشند» (روسولو و همکاران، ۲۰۲۲).

در کار اولیه خود در مورد عدالت، تا حدی در پاسخ به یانگ^۱ (۱۹۹۰) که به درستی از کاهش حاکم بر عدالت اجتماعی به عدالت بازتوزیعی انتقاد کرد که غالباً افرادی را که از نظر فرهنگی با هنجارهای مردانه سفیدپوست غربی شناسایی نمی‌شوند حذف می‌کند و از محققان می‌خواست ظلم مبتنی بر گروه‌ها را وارد کنند. به نظر، فریزر به دنبال غلبه بر آنچه او معضل بازتوزیع - شناسایی نامید (فریزر، ۲۰۰۵)، که در آن دو پارادایم مسلط عدالت - توزیع مجدد منابع و به رسمیت شناختن ادعاهای هویت - با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنند، بود.

فریزر توزیع مجدد را به عنوان ابعاد اجتماعی - اقتصادی عدالت برحسب تخصیص ثروت، منابع، نیروی کار و فرصت تعریف کرد. به طور خاص، او توجه خود را به ترتیب اجتماعی جلب کرد که محرومیت، استثمار و نابرابری فاحش ثروت، درآمد و اوقات فراغت را نهادینه می‌کند و از این طریق برخی افراد را از ابزار و فرصت‌های تعامل با دیگران به عنوان همسالان محروم می‌کند (شکل ۱)



شکل ۱: نظریه برابری مشارکتی (روسولو و همکاران، ۲۰۲۲).

^۱ Young

مشارکت شهروندی

مشارکت شهروندی فراهم ساخت فرصت‌هایی برای شهروندان جهت شرکت کردن در تصمیم‌های دولتی یا فرایندهای برنامه‌ریزی کلان است. مشارکت شهروندی یک اصطلاح عام است که تلاش‌های دولت را برای درک و درگیر کردن شهروندان در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان پوشش می‌دهد. دامنه این نیازها از کسب داده‌ها و اطلاعات و مشخص نمود رویدادهایی است که بر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد تا شفافیت و اعتمادسازی را برای مواجهه با چالش و بهره‌گیری از فرصت‌ها بهبود بخشند (برناندس و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

رویکرد مشارکت شهروندی به عنوان فرایند انتخاب ارزش است. به‌طوریکه مردم حق دارند رهبران خود را انتخاب کنند و به آنها اجازه دهند که تصمیم‌های مهمی برای مردم اتخاذ نمایند. در واقع مشارکت بدان معنا است که تصمیم‌گیرندگانی که بر زندگی مردم تأثیرگذار هستند خود توسط مردم انتخاب می‌شوند. این رویکرد محور اصلی خدمات عمومی نوین است که آن را از مدیریت دولتی نوین جدا می‌کند. مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص است. به عبارت دیگر، مشارکت به معنای بکار گرفتن منابع شخصی برای سهم شدن در یک اقدام جمعی است. مشارکت اجتماعی ابزاری برای خودشکوفایی در جوامع، پیشرانی برای وحدت اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگی و مذهبی است (توتس^۲، ۲۰۱۹).

به منظور دستیابی به راهبردی روشن برای ایجاد و ساماندهی مشارکت الکترونیکی در سطح شهر در راستای بهبود توسعه اجتماعی، به نظر می‌رسد ابتدا باید از مقیاس محله شروع کرد و با فرهنگ سازی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، آن را به مقیاس شهر تعمیم داد. نباید فراموش کرد که مهمترین رکن توسعه هوشمندسازی شهری، مردم هستند و همگام سازی آنها با برنامه‌های توسعه‌ای شهر هوشمند، گامی مهم و اساسی به شمار می‌آید.

در این پژوهش یک شهر هوشمند اجتماعی تجسم شده که قادر به دگرگون ساختن جامعه به حیطه‌ای از همکاری و مشارکت الکترونیکی بیشتر می‌باشد، جایی که نوآوری‌های مشارکتی رخ می‌دهند. شهری که ترکیبی از بهترین‌های دو دنیا می‌باشد از جهتی، یک شهر اجتماعی مردم محور است که ارزش‌های شهروندان و مردم را فعال می‌کند و شامل ابتکارات برگرفته از اجتماع می‌شود و از طرف دیگر شهری هوشمند پذیرای گستردگی امکانات آینده و ابتکارات برگرفته از تکنولوژی مربوطه در راستای بهبود توسعه اجتماعی می‌باشد. بزرگترین چالشی که شهرها با آن روبه رو هستند تکنولوژی نمی‌باشد، بلکه داشتن یک دیدگاه کلی باز و یک گرایش مشارکتی از نوع الکترونیکی برای تغییر آینده مردم بسیار چالش برانگیزتر می‌باشد. از این رو تحقیقاتی که در گذشته انجام شده است بیشتر به رویکرد مشارکت در شهر هوشمند اختصاص یافته است و از آنجایی که وجود مشارکت الکترونیکی در شهر هوشمند در راستای بهبود توسعه اجتماعی از الزامات می‌باشد و بیان می‌دارد که شبکه بندی، مشارکت، خدمات الکترونیکی یکپارچه و نوآوری به عنوان محرکه‌های کلیدی رشد و اهداف اساسی استراتژی‌های شهر هوشمند آشکار شده اند. هر کدام از این موارد یک مؤلفه حکمرانی قوی با خود دارد که نیازمند شراکت واقعی میان دولت، کسب و کار و جامعه متمدن برای اقدامات هماهنگ کننده و سیاست‌های سازش پذیر نسبت به شرایط محلی و خواسته‌های جهانی است. از این رو به واسطه وجود مشارکت الکترونیکی در شهر هوشمند بعنوان رویکردی نوین و کاستی‌های موجود در تحقیقات گذشته این تحقیق، لازمه وجود این نوع از مشارکت را مورد بررسی قرار داده است تا در راستای بهبود توسعه اجتماعی شکاف‌های تحقیقاتی و خلأهای تحقیقات قبل را پر کند.

در ادامه به بررسی تحقیقات داخلی و خارجی همراستا با اهداف تحقیق پرداخته شده است:

¹ Bernardes et al.

² Toots

دارایی و همکاران (۱۴۰۱)، در مطالعه خود به بررسی نقش تعاونی‌ها در توسعه اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی استان قم) پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین متغیر توسعه اجتماعی در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد. بالاترین میانگین را به ترتیب شاخص‌های فعالیت‌های مدنی، سلامت جسمانی و هنجارهای تعمیم یافته داشته است. همچنین کمترین میانگین مربوط به انسجام اجتماعی و آگاهی اجتماعی است. میانگین توسعه اقتصادی برابر با ۲,۴۴ بوده و کمتر از حد متوسط است. همچنین مقدار آن از توسعه اجتماعی نیز پایین تر است. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که ۴۰/۵ درصد از تغییرات توسعه اجتماعی و ۳۰/۱ درصد توسعه اقتصادی متأثر از تعاونی‌ها و بخش تعاونی است. نتیجه این که تعاونی‌ها و عملکرد مثبت آنها می‌تواند زمینه را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی فراهم سازد.

خانپور و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان مؤلفه‌های مشارکت شهروندی در شهر هوشمند؛ نمونه موردی کلانشهر تهران نشان دادند یکی از مفاهیمی که انتظار می‌رود با هوشمند شدن شهرها، دچار تحول شود، مفهوم مشارکت شهروندان در امور شهرسازی و مدیریت شهری است. بویژه در شهری چون تهران که میزان مشارکت تا نقطه مطلوب، فاصله زیادی دارد. نتیجه پژوهش، شامل ارائه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشارکت در شهر هوشمند و پویا در تهران به عنوان الگوی تمام نمای شهر ایرانی است. غلامی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تبیین الگوی حکمروایی هوشمند با رویکرد مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری شهری (نمونه موردی: شهر تهران) بیان کردند که مشارکت در تصمیم‌گیری شهری بر روی حکمروایی هوشمند شهری تأثیر مثبت و مستقیمی دارد. براساس نتایج بدست آمده مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها قادر است که ۳۸/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی حکمروایی هوشمند شهری را تبیین نماید. همچنین از بین دو مؤلفه مربوط به مشارکت بر تصمیم‌گیری‌ها مؤلفه مشارکت اجتماعی تأثیر بیشتری بر حکمروایی هوشمند شهری داشت. حیدری و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان نقش مشارکت شهروندان در حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی: منطقه ۲ شهر شیراز) نشان دادند که بین شاخص‌های مشارکت و حکمروایی خوب شهری رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین همبستگی و اثرگذاری مشارکت در حکمروایی خوب شهری مربوط به شاخص تمایل شهروندان به انجام فعالیت‌های مختلف شهری با شاخص اعتماد اجتماعی بوده است. بلوچی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان طراحی الگویی برای شهر هوشمند با الهام از مفروضات خدمات دولتی نوین و ارزیابی مؤلفه‌های زیرساختی آن در شهرداری بندرعباس نشان دادند لازمه تحقق شهر هوشمند، ایجاد زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (زیرساخت هوشمند و خدمات هوشمند)، توجه به بعد جامعه (مشارکت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی) و مدیریت یکپارچه شهری و مبتنی بر مفروضات خدمات دولتی نوین (در سطح خرد شهرداری‌ها و سیاست‌گذاری کلان) است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کمی بیانگر این است که شهر بندرعباس در تمام زمینه‌های فنی، انسانی و مدیریتی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد، همچنین عدم وجود زیرساخت‌های انسانی و نهادی (مدیریتی) لازم، موانع و محدودیت‌های بیشتری در مسیر هوشمندسازی شهر بندرعباس قرار داده است. موسوی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر شهر هوشمند بر وندالیسم شهری با نقش واسطه‌ای شهر شاد و عدالت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر شیراز) مشخص کردند که شهر هوشمند تأثیر مستقیم معناداری بر وندالیسم شهری ندارد اما از طریق شهر شاد و عدالت اجتماعی دارای تأثیر غیر مستقیم و معنادار بر وندالیسم شهری است. همچنین شهر هوشمند اثر مستقیم و معناداری بر شهر شاد و عدالت اجتماعی دارد. ناصری فر و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در هوشمندسازی شهر نشان دادند هوشمندسازی یا هوشمند شدن زندگی جمعی از موضوعات فراگیر در عصر حاضر است که به دغدغه‌ای برای ساختارهای مدیریتی تبدیل شده است. در حوزه هوشمندسازی مشارکت مردمی در آن یکی از ضمانت‌های نیل به موفقیت ارزیابی می‌شود.

در بررسی تحقیقات خارجی دیگر^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی نقش آموزش و پرورش و فرهنگ در توسعه اجتماعی پرداختند. توسعه اجتماعی شامل یادگیری ارزش‌ها، دانش و مهارت‌های تعامل اجتماعی است. در این فرآیند، فراگیران ارتباط و تعامل با معلمان، سایر فراگیران و دوستان را در محیط مدرسه یاد خواهند گرفت. مهارت‌های اجتماعی و عاطفی مستقیماً توسط کسانی که از آنها مراقبت می‌کنند و به آنها آموزش می‌دهند و همچنین به طور غیرمستقیم از طریق روابط اجتماعی در خانواده یا با دوستان به کودکان منتقل می‌شود. تعامل متقابل دائمی بین فرهنگ و توسعه اجتماعی وجود دارد، خواه از قبل تنظیم شده و با دقت طراحی شده باشد یا خود به خود و غیرعمدی. شواهد تأثیر فرهنگی بر توسعه اجتماعی را می‌توان در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی یافت. شروع از آموزش در دوران کودکی، زمانی که هنر و فرهنگ نقش اساسی در رشد خلاقیت کودکان خردسال، اساساً از طریق تمام سطوح آموزش رسمی و غیررسمی ایفا می‌کند، و با برنامه‌های یادگیری بین نسلی و مادام‌العمر خاتمه می‌یابد. پریلیویز و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان مشارکت شهروندان در شهر هوشمند: یافته‌های یک مطالعه تطبیقی بین‌المللی با استفاده از شیوه‌های حکمرانی شهری برای ارائه عمق زمینه‌ای، در کنار ادبیات مشارکت شهروندان در شهرهای هوشمند، به بررسی عمیق نقش‌های شهروندان پرداختند. این نشان می‌دهد که چگونه طرح‌های شهر هوشمند نتایج را متمایز کرده‌اند و چگونه نحوه حکمرانی در یک بافت اجتماعی و نهادی نقش مهمی در شکل‌دهی الگوهای مشارکت شهروندان ایفا می‌کند. باستوس و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان برنامه‌های کاربردی شهر هوشمند برای ارتقای مشارکت شهروندان در مدیریت و حکمرانی شهر: بررسی سیستماتیک مشخص کردند علاقه فعلی به توسعه برنامه‌های کاربردی برای ارتقای مشارکت شهروندان برای شناسایی مشکلات شهری و کمک به فرآیندهای تصمیم‌گیری است. لیم و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان حاکمیت مشارکتی شهر هوشمند: دیدگاه‌هایی از مشارکت الکترونیکی پورتراجا و پتالینگ جایا، کشور مالزی نشان دادند حاکمیت مشارکتی به طور گسترده به عنوان یک عنصر ضروری برای تحقق شهرهای هوشمند برنامه ریزی شده در نظر گرفته می‌شود. با این وجود، پیاده‌سازی پلتفرم‌های مشارکت الکترونیکی، مانند وب‌سایت‌ها و برنامه‌های تلفن همراه مقامات مدنی، اغلب اطلاعات مبهم در مورد اینکه چگونه صداها عمومی ممکن است بر تصمیم‌گیری الکترونیکی تأثیر بگذارد، ارائه می‌دهند.

روسول و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان از شهر هوشمند تا عدالت شهری در عصر دیجیتال برای پر کردن این شکاف و تقویت نقد شهر هوشمند، از رویکرد سه جانبه عدالت که توسط فیلسوف نانسو فریزر توسعه یافته است، استفاده کردند که بر توزیع مجدد، شناسایی و بازنمایی متمرکز است. در قالب‌بندی مجدد و گسترش نقدهای موجود در مورد شهر هوشمند، استدلال شده است و یک مفهوم عادلانه طراحی نمودند. کیتچن و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان شهروندی، عدالت و حق شهر هوشمند نشان دادند که چگونه شهروندان و شهروندی تا به امروز در شهر هوشمند تصور و عملیاتی شده‌اند. سپس این موضوع را با بحث عدالت اجتماعی و شهر هوشمند دنبال کردند. در نهایت مفهوم «حق بر شهر هوشمند» را بررسی کردند و اینکه چگونه می‌توان از آن برای بازسازی شهر هوشمند به روش‌های رهایی‌بخش و توانمندساز استفاده کرد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر رویکرد جزو تحقیقات کیفی و ازلحاظ روش، تحلیل مضمون است. در بخش کیفی جامعه مورد مطالعه این پژوهش اساتید دانشگاه در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بودند. از طریق نمونه‌گیری هدفمند، از نوع ملاک محور، نمونه‌ی موردنظر انتخاب و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. از این رو مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۱۸ نفر از اساتید و مدیران بود. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن

¹ Digar

² Przeybilovicz et al.

³ Bastos et al.

کاربست تحلیل مضمون آتراید استرلینگ در واکاوی شاخص‌های مدل حکمرانی شهر هوشمند در راستای بهبود توسعه اجتماعی /۱۳۳ مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد تحلیل مضمون آتراید-استرلینگ، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز انجام شد و در قالب مضامین و زیر مقولات طبقه‌بندی شدند. در روش تحلیل مضمون از نرم‌افزار ATLASTI استفاده شده است.

در جدول ۱، اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به مصاحبه شوندگان نشان داده شده است. در تحلیل مضمون، هم‌زمان با گردآوری اطلاعات کدگذاری و تحلیل انجام می‌گیرد. با کدگذاری باز، مضامین زیادی به دست آمد که طی فرایند رفت و برگشتی داده‌ها، مجموعه داده‌های کیفی اولیه به مقوله‌های کمتری کاهش یافت. در این مرحله با استفاده از داده‌های خام، مقولات مقدماتی در ارتباط با شاخص‌های مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی از طریق مقایسه و واکاوی پدیده‌ها استخراج گردید.

بخش کیفی این مطالعه بر اساس دیدگاه ۱۸ نفر از خبرگان آشنا با برنامه ریزی شهری انجام شده است. از نظر جنسیت ۱۲ نفر مرد هستند و ۶ نفر نیز زن هستند. در نهایت ۱۴ نفر کمتر از ۱۰ سال سابقه کاری داشته و ۴ نفر نیز بالای ۱۵ سال تجربه کاری دارند، که در جدول ۱ به تفکیک فراوانی آنها مشخص شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۲
	زن	۶
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۱۴
	بیشتر از ۱۱ سال	۴
	کل	۱۸

یافته‌ها

در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده شد. برای شناسایی شاخص‌های توسعه شهر هوشمند از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. فرایند تحلیل داده‌های کیفی زمانی آغاز می‌شود که محقق گزاره‌ها و عبارات معنی‌دار مرتبط با موضوع را شناسایی و مدنظر قرار می‌دهد. این تحلیل، با بررسی و مطالعه مکرر بین داده‌ها آغاز و پس از مشخص شدن گزاره‌های معنی‌دار مرتبط با موضوع پژوهش کدگذاری می‌شود. فرایند عملی انجام تحلیل داده، شامل چهار مرحله می‌باشد: آماده‌سازی، آشنا شدن، کدگذاری و حصول مقولات اصلی.

برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود لازم است که خود را در آنها تا اندازه‌ای غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل "بازخوانی مکرر داده‌ها" و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است. در این پژوهش کدگذاری‌ها به صورت نرم افزاری انجام شد. در ادامه به برخی از مصاحبه اشاره شده است:

جدول ۲: برخی از کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده

کد اولیه	مصاحبه
- تمایز هوشمندی و الکترونیکی شدن	من فکر می‌کنم که خیلی مهم است در مورد بحث شهر هوشمند تفکیکی که انجام می‌شود این باشد که ما آیا شهر هوشمند را فقط به معنای الکترونیکی شدن می‌فهمیم یا چیزی ورای الکترونیکی شدن و در واقع خیلی نزدیک‌تر به تعاریفی که ما از شهر پایدار یا شهری که در واقع زیست‌پذیر باشد داشته باشیم.

^۱ Thematic Analysis

کد اولیه	مصاحبه
- بی عدالتی - روابط ناسالم اداری	این طور در واقع ابزارها، این طور در واقع دیسکورسها و گفتمانها می توانند به طور مختلفی تقویت کننده یا مثلاً فرض بفرمایید بی عدالتی یا ناعدالتی در شهر باشد یا می توانند در واقع تقویت کننده روابط ناسالمی باشند که در شهر وجود داشته باشد.
- پردازش اطلاعات - گردش اطلاعات	خب مثال بارز آن همین بحث گردش اطلاعات است که خیلی می تواند کمک بکند، پردازش اطلاعات دوباره به نظر من خیلی مهم است و این که چطور از آن استفاده می شود. این
- سیستم های اتوماسیون	مثلاً اینکه ما سیستم های اتوماسیونی در شهرداری داشته باشیم اطلاعات همه اش پردازش چطور می شود،
- تسهیم اطلاعات - بهینه سازی تصمیم گیری - همکاری بین سازمانی - حمایت از کسب و کارهای جدید	اینجا خب این تسهیم اطلاعات خیلی مهم بوده اینکه این اطلاعاتی که به دست می آید از داخل شهر و می تواند ابزاری باشد برای تصمیم گیری به شکل در واقع دیسپرس شده و منتشر شده در اختیار افراد مختلف اینطوری در واقع قرار بگیرد. خیلی شهرداری در واقع سعی کرد در اختیار گذاشتن اطلاعات جغرافیایی را آزادتر بکند و این خودش باعث می شد که تعداد بیشتری از شرکت هایی حالا می خواهند نوآوری بکنند و در این زمینه ها در واقع بیزنس های جدید راه بیندازند شروع کنند از این استفاده کردن.
- افزایش شفافیت اطلاعات	این اطلاعات یک چیزی نیست که فقط باید در اختیار قدرتمندان باشد باعث شد که شفافیت در واقع در کنار بحث شهر هوشمند خیلی محوریت پیدا بکند در شهرداری تهران حداقل.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می دهد که از میان ۱۷۶ شاخص (گویه) موجود، ۳۳ مضمون پایه قابل شناسایی است و ۹ دسته مضمون سازنده به دست آمده است. بر اساس ادبیات، پیشینه و نظریه های موجود این مولفه ها در جدول زیر نام گذاری شد.

جدول ۳: مضامین نهایی شناسایی شده جدول کدهای استخراجی تحلیل مضمون مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

مضمون فراگیر: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

مضمون اولیه	مضمون سازنده (سطح دو)	مضمون سازنده (سطح یک)
توسعه ابزار هوشمند در مدیریت شهرها	مدیریت شهر هوشمند	حکمرانی هوشمند
ترافیک هوشمند		
حمل و نقل هوشمند		
پلیس هوشمند		
خدمات رسانی شهری هوشمند		
بیمارستان هوشمند		
متمرکزسازی		
استانداردسازی	نقش اجرایی	
ایجاد چارچوب بومی برای افزایش سازگاری شهری		
توسعه ابزار هوشمند شهری		
ایجاد نهاد هماهنگ کننده		
نیازسنجی در جامعه		
تعادل در سیستم عرضه و تقاضا		
همکاری بین سازمانی	فرهنگ سازی نقش اپراتور شهری در توسعه شهر هوشمند	
فرهنگ سازی نقش اپراتور شهری در توسعه شهر هوشمند		
استفاده از پتانسیل بخش خصوصی در بخش اجرایی		
هماهنگ سازی اجرایی سازمانها		

مضمون فراگیر: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

مضمون اولیه	مضمون سازنده (سطح دو)	مضمون سازنده (سطح یک)
اجرای سازی الگوی تحول هوشمند	نقش مقتدرانه	
توازن رویکرد بالابه پایین و پایین به بالا		
تعیین مدیر بالادستی		
نظارت صحیح و دقیق در اجرای زیرساخت‌های پایه		
ایجاد بستر رقابتی		
نظارت بر مسئولیت پذیری سازمانی		
برنامه ریزی و ساماندهی پیوندهای بین نهادی		
تعیین هیئت ناظر		
یکپارچه سازی مدیریت	دولت داخلی	
ایجاد تعادل در رویه داخلی و خارجی توسعه شهر هوشمند		
شفافیت نقش سازمان‌ها در برنامه ریزی شهر هوشمند		
شفاف سازی نقش سازمان شهرسازی		
حمایت بخش دولتی یا بخش خصوصی به عنوان اسپانسر		
همکاری دولت، صنعت و دانشگاه		
طرح نگاشت نهادی		
شفاف سازی نقش شهرداری		
استقرار صحیح دولت الکترونیک	دولت دیجیتال	
بهینه سازی مستمر ارائه خدمات الکترونیکی		
مشارکت عمومی و دولت بر پایه فناوری دیجیتال		
به کارگیری صحیح ابزارهای دیجیتالی و سیستم‌های ارتباطی در راستای خدمت به مردم		
همسان سازی فرمت خروجی سازمان‌ها	تعامل شهروندی دیجیتال	
فرهنگ سازی هوشمندی در جامعه		
شناسایی عوامل مؤثر بر پذیرش هوشمندی در مردم		
شناسایی شکاف رفتاری پذیرش هوشمندی مردم		
استفاده از ابزار هوشمند برای افزایش مشارکت مردمی		
استفاده از ابزار گیمیفیکیشن برای افزایش مشارکت مردمی		
تصویرسازی افزایش کیفیت زندگی برای مردم براساس توسعه شهر هوشمند		
مشارکت گرفتن مردم در مسائل شهری		
بهبود روحیه همکاری مردمی	تعامل هوشمند	
هوشمندسازی براساس ویژگی‌های اجتماعی مردم		
ارتقای سرمایه اجتماعی		
شناسایی سطح انتظارات اجتماعی		
شفافیت هوشمندسازی برای بهبود عدالت اجتماعی	تعامل اجتماعی دیجیتال	
ایجاد اعتماد اجتماعی		
ارتباط برخط با مردم		
ارتباط بر خط با دیگر سازمان‌ها		
تعامل عمومی بر خط در ارائه خدمات	تعامل سازمانی	
اصلاح الگوی مصرف و سبک زندگی مردم		
	مؤلفه‌های اجتماعی	پایداری هوشمند

مضمون فراگیر: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

مضمون اولیه	مضمون سازنده (سطح دو)	مضمون سازنده (سطح یک)
بهبود پاسخگویی به مردم	دیجیتال	
کنترل دقیق تر بیماری های واگیر دار		
افزایش نظم در زندگی اجتماعی		
درک نقش مسئولیت اجتماعی در زندگی فردی		
نظارت بر شرایط زندگی اجتماعی		
کاهش اتلاف زمان		
کاهش هزینه های کلی زندگی		
کاهش تولید و انتشار گازهای آلاینده زیست محیطی	مؤلفه های زیست محیطی	
نظارت بر عملیات های اجرایی در فضای سبز و طبیعت		
بهبود کیفیت هوا (کاهش آلودگی هوا)		
کاهش آلودگی صوتی		
فرآیند اداری بدون کاغذ		
فرهنگ سازی حفظ محیط زیست و فضای سبز		
افزایش فضای سبز		
هوشمندسازی آب	مدیریت انرژی دیجیتالی	
هوشمندسازی ساختمان ها در جهت کاهش مصرف انرژی		
بهینه سازی مصرف انرژی با ابزار اینترنت اشیا		
هوشمندسازی برق		
هوشمندسازی سوخت های فسیلی		
اجرای کنتورهای هوشمند		
اجرای اینترنت انرژی		
تعیین چشم انداز، بهینه سازی تصمیم گیری	نقش نهادهای دولتی	
کنترل و شبیه سازی رشد پروژه		
تعیین پیشرفت فرآیندهای پروژه با استفاده از فن آوری		
برنامه ریزی اقدامات و برآورده سازی نیاز بخش دولتی	نقش نهادهای خصوصی	
ایجاد خدمات یا محصولات کارا		
معرفی نمونه های موفق بین المللی به دولت و بومی سازی آن در ایران	پیچیدگی همکاری	همکاری بخش دولتی و خصوصی
تغییر ساختار فرآیندهای دولتی در برابر بخش خصوصی		
مشخص نمودن سطح مالکیت و برون سپاری		
بهبود مقررات همکاری بین واحد خصوصی و دولتی	هدفمندی پروژه ها	
رسیدن به چشم انداز مشترک بین واحد دولتی و خصوصی		
شناسایی راهکار براساس منافع ذی نفعان و مردم		
شناسایی اهداف قابل اندازه گیری، اهداف فرعی	سرمایه گذاری زیرساخت های دیجیتالی	
شناسایی نتایج مشخص براساس احتمالات (مشارکت یا عدم مشارکت مردمی)		
فراخوان سرمایه گذاری بخش خصوصی و صنعت گران		
شناسایی پتانسیل های تقاضای شهری و امکان سرمایه گذاری		
شناسایی راهکارهای نوین جذب سرمایه گذار (دولتی و خصوصی)		
مشارکت بازار بورس و اوراق بهادار		

مضمون فراگیر: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

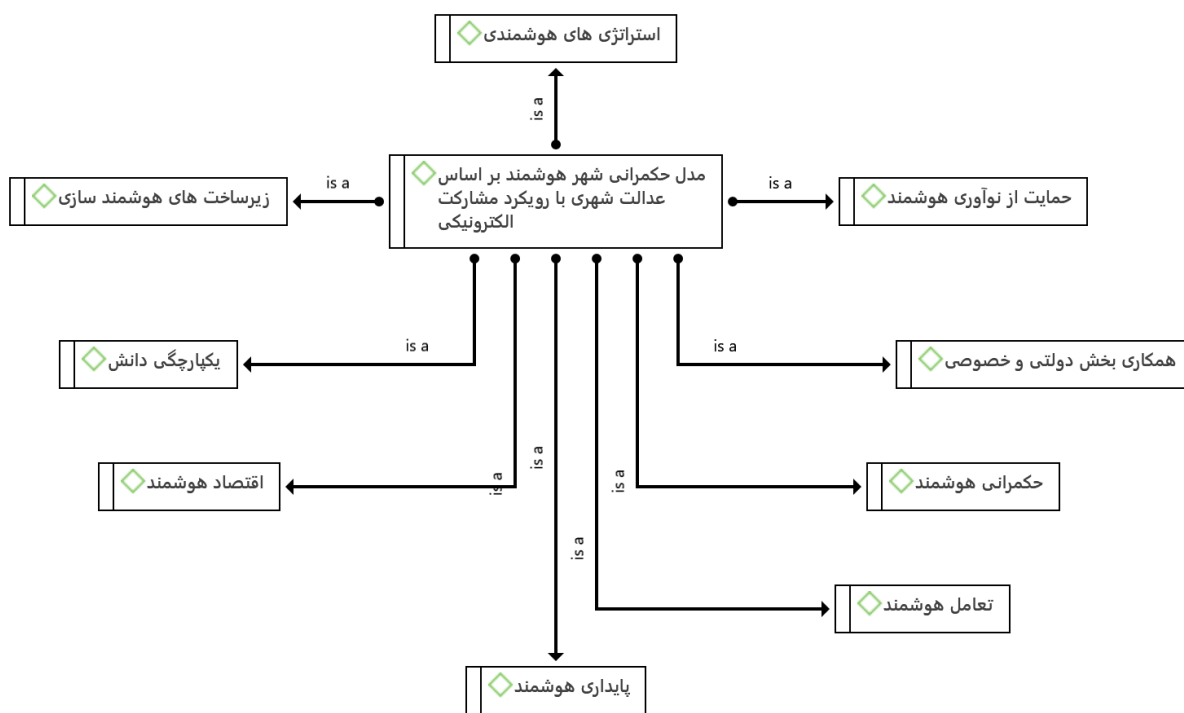
مضمون سازنده (سطح یک)	مضمون سازنده (سطح دو)	مضمون اولیه	
یکپارچگی دانش	مدیریت اشتراک داده	شروع پروژه‌ها با یارانه و بودجه اولیه و جذب سرمایه گذار	
		بسترسازی استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپا	
		اشتراک اطلاعات و تجربیات از طریق جلسات و طوفان فکری	
		ایجاد بستر دسترسی به داده بین سازمانی	
		مشورت با واحدهای بین‌المللی	
		هماهنگی و اتصال بخش‌های مختلف برای تبادل داده	
	تغییر نگرش دیجیتال	فرهنگ سازی اشتراک داده به عنوان یک سرمایه گذاری ارزشمند در شهر هوشمند	ایجاد جلسات ادواری بین سازمانی و مشورت
			فرهنگ سازی اشتراک داده به منظور شناسایی تخصص‌های مردمی
			فرهنگ سازی اشتراک داده در بین سازمان‌ها
			اشتراک دانش با مردم به منظور افزایش یادگیری هوشمندسازی
	واحد دانشی	ایجاد آزمایشگاه زنده برای رونمایی از پروژه‌های هوشمندسازی در مقیاس کوچک	ایجاد پایگاه جمع‌آوری و نگهداری دانش
			ایجاد واحد یکپارچه سازی داده
ایجاد پارک فناوری هوشمند			
ایجاد مقیاس اندازه‌گیری صحت داده‌ها			
افزایش شفافیت گزارشات براساس خروجی و داده‌های ثبت شده			
تقویت کارگروه شفافیت و شهر هوشمند			
شفافیت دانش دیجیتال	تثبات داده به دور از جهت‌گیری و آمارسازی	سیاست‌گذاری در جهت شفافیت اشتراک داده	
		بهبود سامانه شفافیت اقدامات نهادی	
		ایجاد واحد نظارت بر ثبت اطلاعات و داده	
		ایجاد زبان مشترک در اشتراک داده	
		ایجاد قالب و استاندارد ثابت برای فهم داده	
		مشخص کردن استانداردهای ثبت، نگهداری و انتشار داده	
استانداردسازی دیجیتال سازی داده‌ها	بستر یکپارچه سازی دیجیتال	ایجاد پلتفرم هماهنگی برای استفاده از داده‌های پروژه‌ها	
		انجام پروژه به صورت متداول و مشخص نمودن قسمت نوآوری (منافع نوآوری)	
		ادغام پتانسیل‌ها و استفاده از رویکرد سیستمی	
		اجرای سازی نوآوری و ادغام با دیگر واحدهای هوشمند	
		ایجاد واحد نوآوری برای کسب تجربه از دیگر محققان و شناسایی راهکارهای نوین و کم‌خطا	
		ایجاد چارچوب نوآوری در سیستم‌های موجود (شناسایی نیاز و تقاضا)	
حمایت از نوآوری هوشمند	عمومی سازی نوآوری	ایجاد بستر مشارکت بخش خصوصی در ارائه خلاقیت و نوآوری	
		حمایت از ایده‌های نوآوری و خلاقیت	
		فراخوان عمومی برای معرفی نوآوری	
	تشویق نوآوری	حمایت مالی از نوآوری و استارت‌آپ‌ها	افزایش استقبال مردم از اهمیت نوآوری و توسعه شهر هوشمند
			افزایش انگیزه واحد خصوصی در شرکت در توسعه شهر هوشمند
			استقبال باز از نوآوری‌های موجود در پیشنهادات و انتقادات مردمی

مضمون فراگیر: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

مضمون سازنده (سطح یک)	مضمون سازنده (سطح دو)	مضمون اولیه
	زیرساخت‌های فنی دیجیتال	رایانش ابری
		توسعه فیبر نوری
		بستر سازی اینترنت اشیاء
		فناوری‌های هوشمند
		اینترنت پرسرعت
	زیرساخت‌های منابع انسانی	رسانه‌های اجتماعی
		وب معنایی
		آموزش منابع انسانی
		تعریف رشته‌های دانشگاهی مرتبط با شهر هوشمند
		استفاده از متخصصان و کارشناسان هوشمندسازی
زیرساخت‌های هوشمندسازی	زیرساخت‌های مالی	تخصیص بودجه دولتی کافی برای اجرایی سازی شهر هوشمند
		برنامه ریزی مالی صحیح برای فرآیندهای توسعه شهر هوشمند
		بازنگری سیستم قیمت گذاری
		شناسایی منابع درآمدی سازمان‌ها در فرآیند توسعه شهر هوشمند
		ایجاد منابع درآمدی پایدار در فرآیند توسعه شهر هوشمند
		اختصاص تسهیلات مورد نیاز پروژه‌های توسعه شهر هوشمند
		تعیین دقیق منابع مالی شهرداری (مالیات بر ارزش افزوده، عوارض نوسازی، کسب و پیشه و خودرو، اجاره ساختمان‌های استیجاری شهرداری و سایر درآمدها بوده و فروش اموال غیر منقول، وام یا اوراق مشارکت)
		مدیریت خردمندانانه فضا و تخصیص بهینه زمین
		گسترش حمل و نقل عمومی و انسان محور
		ارایه مدل کاربری مختلط با برنامه ریزی کاربری زمین به صورت کارا و اثرگذار در صرفه جویی زمین
توازن در توزیع مناسب خدمات و امکانات و تجهیزات شهری در تمام سطوح شهر		
حفظ و ذخیره زمین که جلوگیری از ایجاد کلاتشهرهای خودرو و ارگانیک		
یکپارچه سازی مدیریت شهر براساس اطلاعات GIS		
تلفیق داده‌های مکانی و برنامه ریزی بلند مدت		
استراتژی‌های هوشمندی	فرهنگ بروکراتیک	ایجاد ثبات داخلی
		کاهش قوانین دست و پاگیر
		افزایش هم افزایی گروهی
	تغییر پارادایمی	ایجاد تفکر عقلایی
		توسعه منابع انسانی
		ایجاد نگرش هوشمند
اقتصاد هوشمند	جنبه بین المللی	اتصال به تجارت بین المللی
		الگوگیری از کسب و کارهای جهانی و بومی سازی آنها
		شناسایی بازارهای جهانی
		مشتری محوری جهانی
		بین المللی سازی شهر و راهبردهای ارتقای شهر در سطح بین المللی

مضمون فراگیر: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

مضمون سازنده (سطح یک)	مضمون سازنده (سطح دو)	مضمون اولیه
	جنبه ملی	بهبود جایگاه اقتصادی در میان جوامع بین‌المللی
		کارآفرینی
		هوشمندسازی خط تولید
		رشد اقتصادی کشور
		کاهش هزینه‌های کشور
		افزایش درآمد پایدار
		فروش و ارائه خدمات بی‌واسطه
		حمایت از کسب و کارهای خانگی
		انعطاف‌پذیری و افزایش میزان مشاغل پایدار
		کاهش نرخ بیکاری



شکل ۲: مدل حکمرانی شهر هوشمند بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی

از چهار معیار کمی برای بررسی قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید و اطمینان‌پذیری استفاده شده است: ضریب هولستی، ضریب پی‌اسکات، شاخص کاپای کوهن و آلفای کرپندروف.

میزان همبستگی دیدگاه خبرگان با محاسبه ضریب هولستی (PAO) یا «درصد توافق مشاهده شده» ۰/۸۱۰ بدست آمده است که مقدار قابل توجهی است. با توجه به ایراداتی که به روش هولستی وارد است شاخص پی-اسکات نیز محاسبه شده است که میزان آن ۰/۷۳۷ بدست آمده است. چهارمین شاخص برآورد اعتبار تحقیقات کیفی شاخص کاپای کوهن است. شاخص کاپای کوهن در این مطالعه ۰/۷۹۱ بدست آمده است. در نهایت نیز از آلفای کرپندروف استفاده شده است و میزان آن در این مطالعه ۰/۸۲۰ برآورد گردیده است.

بحث

هدف پژوهش حاضر مدل حکمرانی شهر هوشمند در راستای بهبود توسعه اجتماعی بر اساس عدالت شهری با رویکرد مشارکت الکترونیکی بوده است. ۹ مضمون سطح اول شناسایی شده عبارتند از: حکمرانی هوشمند، تعامل هوشمند، پایداری هوشمند، همکاری بخش دولتی و خصوصی، یکپارچگی دانش، حمایت از نوآوری هوشمند، زیرساخت‌های هوشمند سازی، استراتژی‌های هوشمندی و اقتصاد هوشمند. حکمرانی هوشمند به معنای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریت شهری است. از این طریق، سیستم‌های هوشمندی ایجاد می‌شود که اطلاعات را جمع‌آوری کرده و به افراد مرتبط ارائه می‌دهند تا فرایندهای تصمیم‌گیری بهبود یابد و رسیدگی به مسائل شهری به شکل بهتری انجام شود. تعامل هوشمند به ارتباطات و تعاملات میان افراد، سازمان‌ها و سیستم‌های مختلف در شهر هوشمند اشاره دارد. این تعاملات می‌توانند از طریق پلتفرم‌های الکترونیکی، اپلیکیشن‌های موبایل یا سایر فناوری‌های ارتباطی صورت بگیرند و هدف آن بهبود ارتباطات و افزایش تعاملات موثر و مفید بین افراد و سازمان‌هاست.

پایداری هوشمند به توسعه و استفاده از فناوری‌ها و رویکردهایی اشاره دارد که منجر به مدیریت بهینه منابع، کاهش مصرف انرژی، حفاظت از محیط‌زیست و ایجاد سیستم‌های پایدار در زمینه‌های مختلف شهری می‌شود. خانای^۱ (۲۰۱۵)، بیان کرد همکاری بخش دولتی و خصوصی بر روابط همکاری و هماهنگی بین دولت و بخش خصوصی تاکید دارد. این همکاری می‌تواند شامل تعاون برای ارائه خدمات شهری، ایجاد زیرساخت‌های فناورانه، یا حمایت از استارت‌آپ‌ها و فعالیت‌های نوآورانه در حوزه‌های شهر هوشمند باشد. یکپارچگی دانش به اشتراک‌گذاری، جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها و اطلاعات مرتبط با شهر هوشمند اشاره دارد. اینجاست که شهر با استفاده از فناوری‌های الکترونیکی و ارتباطات، داده‌های مربوط به ترافیک، مصرف انرژی، مدل‌های شهری، اطلاعات جمعیتی و... را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند. این داده‌ها سپس به صورت عمومی یا محدود شده (با رعایت حفظ حریم خصوصی) برای استفاده شهروندان و سازمان‌های مختلف منتشر می‌شود. این اقدامات منجر به افزایش دانش جمعی، بهبود تصمیم‌گیری‌ها و ارتقای سطح زندگی شهروندان می‌شود. حمایت از نوآوری هوشمند به ایجاد و حمایت از فضایی برای نوآوری و توسعه فناوری‌های هوشمند در شهر اشاره دارد. سیاست‌ها و برنامه‌هایی که این موضوع را پوشش می‌دهند، شامل تشویق به استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، واقعیت افزوده و سایر فناوری‌های پیشرفته است. این اقدامات منجر به ارتقای خدمات شهری، بهره‌وری منابع و افزایش اشتغال می‌شود (کارا و گلو و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

زیرساخت‌های هوشمند سازی به بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و فناوری‌ای شهر می‌پردازد. شامل اینترنت پرسرعت، سیستم‌های ارتباطی پیشرفته، شبکه‌های انرژی هوشمند، سامانه‌های حمل و نقل هوشمند و زیرساخت‌های دیگر است. این زیرساخت‌ها اساساً امکان فراهم کردن بستری هوشمند برای اجرای خدمات شهری بهتر و کارآمدتر را فراهم می‌کنند. انگین و همکاران^۳ (۲۰۲۰)، نشان دادند استراتژی‌های هوشمندی به سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهایی اشاره دارد که بر اساس داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از یکپارچگی دانش، اتخاذ می‌شوند. این استراتژی‌ها برای بهینه‌سازی استفاده از منابع، بهبود کیفیت خدمات شهری، مدیریت پایدار منابع طبیعی و پاسخ به چالش‌های شهری طراحی می‌شوند. اقتصاد هوشمند به توسعه اقتصاد بر پایه فناوری‌های نوین و هوشمند اشاره دارد. شامل تشویق به رشد کسب و کارهای فناورانه، ایجاد فضاهای کارآفرینی، پشتیبانی از صنایع هوشمند و توسعه اقتصادی در حوزه‌های فناوری می‌شود (عباس و همکاران^۴، ۲۰۱۹). این اقدامات منجر به ایجاد اشتغال، توسعه اقتصادی پایدار و رشد اقتصادی با استفاده از فناوری‌های نوین خواهد شد.

^۱ Khanna

^۲ Caragliu et al

^۳ Engin et al

^۴ Abbas et al

نتیجه‌گیری

از طرفی با پیشرفت دانش و فناوری، انسان‌ها روز به روز از حضور در فضاهای شهری دورتر شده و بیشتر به حضور در فضاهای مجازی تمایل دارند که این خود معضل بزرگی در دیجیتالیزه شدن شهرهاست. شهر هوشمند با نگاهی خلاقانه به رابطه‌ی میان جامعه و تکنولوژی در راستای حل معیشت شهری به وجود آمده است و فرصت بزرگی است برای تشکیل بستری که بتوان مردم جامعه را به سمت مفهوم و نمود بهبود توسعه اجتماعی و مشارکت الکترونیکی سوق داد.

چالش‌های جامعه‌ی آینده، خواهان روش‌های جدید نوآوری می‌باشد. تغییری در تفکر، انجام کارها و سازماندهی نمودن آنها، نه تنها استراتژی‌های ایده‌ها و روش‌های جدید سازمان برای رویارویی با چالش‌های جامعه وجود دارد، بلکه همچنین مشارکت خلاقانه‌ی فعال، یک رابطه‌ی مهم و اساسی را برای تحقق یک جامعه‌ی تبدیلی نشان می‌دهد. این امر در مورد این که چه کسی گرداننده است نمی‌باشد بلکه در مورد یافتن یک گرداننده‌ی متقابل است. یک شهر در آینده بایستی یک شهر هوشمند اجتماعی باشد که قادر است جامعه را به یک حیطه‌ی مشارکتی تبدیل نماید. جایی که ابتکار مشارکتی رخ دهد. شهری که ترکیبی از بهترین‌های دو دنیا می‌باشد. از جهتی یک شهر اجتماعی که مردم محور است، ارزش‌های شهروندان و مردم را فعال می‌کند و شامل ابتکارات برگرفته از توسعه اجتماعی می‌شود و از طرفی دیگر یک شهر هوشمند پذیرای گستردگی امکانات آینده و ابتکارات برگرفته از تکنولوژی مربوطه، از جمله داده‌های باز، تارنمای موضوعات و نوآوری‌های با محوریت تکنولوژی میب‌اشد. در حالی که چشم اندازهای آینده مسیرها را روشن می‌سازد و موقعیت‌های اخیر در توانمندی و تعهدات شهروندان سبب ایجاد یک پایه و بنیاد عالی برای بنیانگذاری یک شهر در جهت بهبود توسعه اجتماعی می‌شود.

با نگاهی متفاوت، زمان معاصر بیان‌کننده‌ی این است که به طور کامل از زیرساخت‌های هوشمند موجود بهره‌برداری نمی‌شود. بزرگترین چالش‌ها تکنولوژی نمی‌باشد بلکه چالش شامل یک دیدگاه و نگرش اشتراکی جدید می‌باشد یک راهبرد اشتراکی و داشتن یک زیرساخت مناسب که از این بافت اجتماعی بتواند حمایت نماید.

یکی از اهداف اولیه و اساسی فرایند ریزی برنامه شهری، حفظ و بهبود کیفیت محیط شهری و به تبع آن برخورداری همزمان تمام شهروندان از تمام امکانات و خدمات و این است امر با مدیریت و حکمروایی خوب شهری ممکن خواهد شد. این مفاهیم یعنی برخورداری از توسعه اجتماعی و تحقق آن در سطح شهر در واقع، تلاشی جهت در دستیابی به معیارهای کیفی در عرصه برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌رود. بنا بر همین ضرورت، شناخت وضعیت موجود کیفیت محیط مناطق شهری از طریق تحقق توسعه اجتماعی و سنجش و ارزیابی آن با مدیریت حکمروایی خوب شهری به یکی از مهمترین جنبه‌های مطالعاتی در مباحث برنامه شهری تبدیل شده است.

در این پژوهش مشخص گردید که مهمترین عامل در بهبود حکمروایی خوب شهری، بهبود توسعه اجتماعی است و هر چه شاخص‌های توسعه اجتماعی بهبود یابد شاخص‌های حکمروایی خوب شهری نیز بهبود می‌یابد. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد میان آگاهی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و شفافیت و پاسخگویی از حکمروایی خوب شهری رابطه مستقیم وجود دارد. به این صورت که به دلیل عدم انتشار اطلاعات و ارتباط نامناسب با شهروندان، ذینفعان از اطلاعات طرح‌ها آگاهی پیدا نمی‌کنند و در نتیجه این مؤلفه در وضعیت نامناسب قرار می‌گیرد. همچنین میان مؤلفه اعتماد و عملکرد مدیریت شهری نیز رابطه مستقیم وجود دارد که در صورت اجرای صحیح پروژه‌ها و کاهش مشکلات، اعتماد میان شهروندان و مدیران شهری افزایش می‌یابد.

شهرهای هوشمند در حد فاصل بین ابعاد اجتماعی و فناوری دیجیتال قرار دارند. این مفهوم شامل «شهرها با هر اندازه»، از جمله جوامع کوچکتر یا شهرداری‌های منطقه‌ای است که نمونه‌های الهام‌بخش مختلفی را نیز می‌توان یافت. با این حال، بسیاری از بحث‌ها پیرامون شهرهای هوشمند عمدتاً به دلیل نقش رهبری اولیه توسط سازمان‌های شرکتی مانند CISCO، IBM، اینتل و اخیراً توسط GE، مایکروسافت، اوراکل و آمازون حول محور بعد فناوری دیجیتال بوده است. این طرح‌ها بر توسعه پلتفرم‌های مبتنی بر

ابر و راه‌حل‌هایی برای پروژه‌های شهر هوشمند تمرکز دارند. بنابراین نقش فناوری برای توانمندسازی فرآیندهای جدید تولید، توزیع و حکمرانی کلیدی دگرگونی ترتیبات سازمانی و نهادی؛ و اطلاعات انتخاب‌ها و رفتارهای فردی بوده است. با این حال، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تنها مؤلفه‌های ارائه راه‌حل‌های هوشمند نیستند. نوآوری اجتماعی که اشکال اجتماعی جدید و اشکال همکاری در جامعه ایجاد می‌کند نیز ضروری است. در این زمینه، ظرفیت شهرداری‌ها برای مشارکت دادن ذینفعان مختلف (کارآفرینان، دانشگاهیان، سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان) در برنامه‌ریزی و باید بر فرآیندهای اجرایی و همچنین توانایی آنها در توافق بر سر بهترین راه‌حل‌ها برای توسعه، مسئولیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در نتیجه تلاش‌های مشترک تاکید شود.

چندین فن‌آوری نوظهور قرار است تا سال ۲۰۲۵ در شهرها در زمینه‌های مدیریت، محیط، سلامت، اقتصاد، حمل و نقل، شیوه زندگی و تعاملات اجتماعی اثر بگذارند. پیش‌بینی می‌شود که آن‌ها پیامدهای قوی ویژه‌ای برای توسعه و مدیریت شهری مانند تولید (چاپ سه بعدی)، اینترنت اشیا، تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ، هوش مصنوعی، فناوری‌های پیشرفته ذخیره‌سازی انرژی، فناوری شهری، هواپیماهای بدون سرنشین، وسایل نقلیه (پهپادها) و بلاک چین داشته باشند. در آینده میانی، وسایل نقلیه خودران نیز در ابتدا تاثیر زیادی بر شهرها خواهند داشت. برای پر کردن شکاف مربوط به عدم وجود یک چارچوب اندازه‌گیری قابل مقایسه، هماهنگی و جامع، برنامه شهرهای هوشمند در حال حاضر در حال توسعه یک چارچوب شاخص شهرهای هوشمند است که معیارها، داده‌ها و اندازه‌گیری‌هایی را در اختیار دولت‌های محلی و ملی در مورد میزان دیجیتالی شدن قرار می‌دهد. نتایج و تاثیر بهتری را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. در ایران تحقق اصولی شهر هوشمند و هوشمندسازی شهرها و شهرداری الکترونیک باید همواره از اولویت‌های اصلی مدیریت شهری باشد و انتظار می‌رود شهرداری‌ها در کنار توجه به توسعه زیرساخت‌ها به موضوع هوشمندسازی شهرها توجه مضاعفی کنند. فناوری اطلاعات در فرایند توسعه شهری و ارتقای جایگاه مدیریت شهری در نظام اداری و اجرایی کشور و رفاه شهروندان از بخش‌های پیشران محسوب می‌شود و چنانچه در مدیریت شهری به ابعاد گوناگون فناوری اطلاعات توجه لازم صورت گیرد، مسیر توسعه شهری با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت و تحولات بزرگی در شهر و شهرداری ایجاد می‌شود. در نهایت براساس نتایج به دست آمده، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

- توسعه پلتفرم‌های آنلاین که به شهروندان امکان دهد ایده‌ها، نظرات و پیشنهادات خود را برای مسائل شهری ارائه کنند. این ابزارها می‌توانند یک فضای ارتباطی آسان برای مشارکت مردم فراهم کنند.
- منتشر کردن داده‌های شهری به شکل باز و قابل دسترسی الکترونیکی برای شهروندان. این داده‌ها می‌توانند به آنها کمک کنند تا تصمیمات بهتری بگیرند و در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند.
- این فناوری‌ها می‌توانند اطلاعات بیشتری از داده‌های شهری را جمع‌آوری و تحلیل کنند و نتایج خود را به شهروندان و مسئولین ارائه دهند تا تصمیمات بهتری اتخاذ شود.
- برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها و مشاوره‌های آنلاین که امکان مشارکت و حضور شهروندان را در فرایندهای تصمیم‌گیری شهری فراهم کند.
- ایجاد برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی الکترونیکی برای آگاهی‌بخشی شهروندان در مورد مسائل شهری و نحوه شرکت در فرایندهای حکمرانی شهری.
- حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد به این صورت که برای هر یک از این سازمان‌ها جایگاه مشورتی در نظر گرفته شود و در جلسات شورای شهر که در مورد موضوع کار سمن‌ها است بتوان از نظرات آنها استفاده کرد.
- شفاف سازی هزینه‌های شهرداری به صورت انتشار دوره‌های آنها و ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی برای ثبت شکایات و ارائه پیشنهادها.

منابع

- بلوچی، اسماء. بهبودی، محمدرضا. ترابی، محسن. (۱۴۰۱). طراحی الگویی برای شهر هوشمند با الهام از مفروضات خدمات دولتی نوین و ارزیابی مؤلفه‌های زیرساختی آن در شهرداری بندرعباس. فصلنامه مدیریت دولتی ایران، ۲: ۱۵۹-۱۸۹.
- حیدری، تارا. زارع، امیرعباس. مشک سار، پریسا. (۱۴۰۱). نقش مشارکت شهروندان در حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی: منطقه ۲ شهر شیراز). دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری، ۳۷: ۶۵-۸۸.
- خانپور، سعید. ذبیحی، حسن. نوری، علی. (۱۴۰۱). مولفه‌های مشارکت شهروندی در شهر هوشمند؛ نمونه موردی کلانشهر تهران. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۷۲: ۱-۱۷.
- غلامی، هادی. میره‌ای، محمد. جاوید، علیرضا. (۱۴۰۱). تبیین الگوی حکمروایی هوشمند با رویکرد مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری شهری (نمونه موردی: شهر تهران). برنامه ریزی و آمایش فضای دانشگاه تربیت مدرس، ۲۶: ۱۱۹-۱۳۹.
- مسعود دارابی، ابوالقاسم حیدرآبادی (۱۴۰۱). نقش تعاونی‌ها در توسعه اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی استان قم). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پانزدهم / شماره اول / زمستان ۱۴۰۱.
- موسوی، حسن. ثابت، عباس. فیلی، اردلان. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر شهر هوشمند بر وندالیسم شهری با نقش واسطه‌ای شهر شاد و عدالت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر شیراز). برنامه ریزی شهری، ۱۳: ۱۵۰-۲۶۶.
- ناصری فر، اکرم. بیات، بهرام. نیکوگفتار، منصوره. (۱۴۰۱). تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در هوشمندسازی شهر. فصلنامه علمی امنیت ملی، ۹۷-۱۲۰.
- Abbas, H., Shaheen, S., & Amin, M. (2019). Engineering Large Complex Critical Infrastructures of Future Smart Cities as Self-adaptive Systems. In *Security in Smart Cities: Models, Applications, and Challenges* (pp. 143-170): Springer
- Albino, V., U. Berardi, R. M. Dangelico. (2015). "Smart Cities: Definitions, Dimensions, Performance, and Initiatives." *Journal of Urban Technology* 22 (1): 3-21.
- Artyushina, Anna. (2020). "Is Civic Data Governance the key to Democratic Smart Cities? The Role of the Urban Data Trust in Sidewalk Toronto." *Telematics and Informatics* 55: 101456. doi:10.1016/j.tele.2020.101456.
- Ash, James, Rob Kitchin, and Agnieszka Leszczynski. (2018). Digital Turn, Digital Geographies? *Progress in Human Geography* 42 (1): 25-43. doi:10.1177/0309132516664800
- Barkan, J., & Laura, P. (2017). Justice: An Epistolary Essay." *Annals of the American Association of Geographers* 107 (1): 33-40. doi:10.1080/24694452.2016.1230422.
- Bastos, D. Caballero, A. Pereira, A. (2023). Smart City Applications to Promote Citizen Participation in City Management and Governance: A Systematic Review.
- Berg, M., & Lidskog, R. (2018). Deliberative democracy meets democratised science: A deliberative systems approach to global environmental governance. *Environmental Politics*, 27(1), 1-20.
- Bernardes, M.B. (2018). De Andrade, F.P.; Novais, P.; Lopes, N.V. Participatory governance of smart cities: A study upon Portuguese and Brazilian government portals. In *Proceedings of the 11th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance, ICEGOV'18, Galway, Ireland*, 4: 526-536
- Bing Wang · Longmei Xia · Alfred M. Wu. 2022. Social Development with Public Value: An International Comparison. *Social Indicators Research* (2022) 162:909-934 <https://doi.org/10.1007/s11205-021-02805-5>.
- Brubaker, R. (2017). Why populism? *Theory and Society*, 46(5), 357-385
- Caragliu, A. Del Bo, C.F.; Nijkamp, P. (2011). Smart Cities in Europe. *J. Urban Technol.* 18, 65-82
- Caragliu, A., & Del Bo, C. F. (2019). Smart innovative cities: The impact of Smart City policies on urban innovation. *Technological Forecasting and Social Change*, 142, 373-383.
- Cardullo, Paolo, Cesare Di Felicianantonio, and Rob Kitchin. (2019). *the Right to the Smart City*. Emerald: Bingley
- Chantry, W. (2022). Built from the internet up?: assessing citizen participation in smart city planning through the case study of Quayside, Toronto. *GeoJournal*. <https://doi.org/10.1007/s10708-022-10688-3>

- D’Urso, P., De Giovanni, L., Disegna, M., et al. (2020). A tourist segmentation based on motivation, satisfaction and prior knowledge with a socio-economic profiling: A clustering approach with mixed information. *Social Indicators Research*. <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02537-y>
- Dryzek, J. S., et al. (2019). The crisis of democracy and the science of deliberation. *Science*, 363(6432), 1144–1146.
- Elwood, Sarah. (2020). Digital Geographies, Feminist Relationality, Black and Queer Code Studies: Thriving Otherwise. *Progress in Human Geography* 0 (0): 0309132519899733. doi:10.1177/0309132519899733.
- Engin, Z., van Dijk, J., LAN, T., Longley, P. A., Treleven, P., Batty, M., & Penn, A. (2020) Data-driven urban management: Mapping the landscape. *Journal of Urban Management*, 9(2): 140-150
- Faulkner, N., & Kaufman, S. (2017). Avoiding theoretical stagnation: A systematic review and framework for measuring public value. *Australian Journal of Public Administration*, 77(1), 69–86.
- Fishkin, J. S. (2018). *Democracy when the people are thinking: Revitalizing our politics through public deliberation*. Oxford University
- Fraser, Nancy. (2005). Reframing Justice in a Globalizing World. *New Left Review* 36: 69–88
- Goodin, R. E. (2017). The epistemic benefits of deliberative democracy. *Policy Sciences*, 50(3), 351–366.
- Khanna, P. (2015). Urbanisation, Technology, and the Growth of Smart Cities, *Asian Management Insights* , 2: 59-52
- Kitchin, R., Cardullo, P. and Di Feliciano, C. (2019), *Citizenship, Justice, and the Right to the Smart City*, Cardullo, P., Di Feliciano, C. and Kitchin, R. (Ed.) *The Right to the Smart City*, Emerald Publishing Limited, Bingley, pp. 1-24.
- Kitchin, Rob. (2016). *Reframing, Reimagining and Remaking Smart Cities*. Ireland: Maynooth University
- Köhler, Bettina. (2016). Smart City. In *Wörterbuch Klimadebatte*, edited by Sybille Bauriedl, 269–276. Bielefeld: transcript
- Leszczynski, A. (2016). Speculative Futures: Cities, Data, and Governance beyond Smart Urbanism.” *Environment and Planning A* 48 (9): 1691–1708
- Lim, S.B.; Malek, J.A.; Yigitcanlar, T. (2021). Post-materialist values of smart city societies: International comparison of public values for good enough governance. *Future Internet*. 13, 201
- Lim, S.B.; Yigitcanlar, T. (2022). Participatory Governance of Smart Cities: Insights from e-Participation of Putrajaya and Petaling Jaya, Malaysia. *Smart Cities*, 5, 71–89. <https://doi.org/10.3390/smartcities5010005>
- Malek, J.A.; Lim, S.B.; Yigitcanlar, T. (2021). Social inclusion indicators for building citizen-centric smart cities: A systematic literature review. *Sustainability*, 13, 376
- Pierre, J., and B. Peters. (2019). *Governance, Politics and the State*. 2nd ed. London: Red Globe Press
- Przybilowicz, E. Cucha, M. Tomor, Z. (2023). Citizen participation in the smart city: findings from an international comparative study. *Local Government Studies*, 48: 1-12.
- Ribera-Fumaz, Ramon. (2019). “Moving from Smart Citizens to Technological Sovereignty?” In *The Right to the Smart City*, edited by Paolo Cardullo, Cesare Di Feliciano, and Rob Kitchin, 177–191. Emerald: Bingley.
- Rose, Gillian. 2020. “Actually-existing Sociality in a Smart City. *City* 24 (3-4): 512–529. doi: 10.1080/13604813.2020.1781412
- Rosol, M. Gwendolyn, B. (2022). From the smart city to urban justice in a digital age, *City*, DOI: 10.1080/13604813.2022.2079881
- Saukani, N., & Ismail, N. A. (2019). Identifying the components of social capital by categorical principal component analysis (CATPCA). *Social Indicators Research*, 141, 631–655.
- Silva, B. N., Khan, M., & Han, K. (2018). Towards sustainable smart cities: A review of trends, architectures, components, and open challenges in smart cities. *Sustainable Cities and Society*, 38
- Smith, Gavin JD. (2020). The Politics of Algorithmic Governance in the Black box City. *Big Data & Society* 7 (2): 2053951720933989
- Toots, M. (2019). Why e-participation systems fail: The case of Estonia’s Osale.ee. *Gov. Inf. Q.* 36, 546–559
- Vanolo, Alberto. (2019). Playable Urban Citizenship: Social Justice and the Gamification of Civic Life. In *The Right to the Smart City*, edited by Cardullo Paolo, Feliciano Cesare Di, and Kitchin Rob, 57–69. Emerald: Bingley.
- Willis, Katharine S, and Alessandro Aurigi. (2020). *The Routledge Companion to Smart Cities*. London: Routledge
- Wu, A. M., & Chou, K. (2021). Intergenerational conflict or solidarity in Hong Kong? A survey of public attitudes toward social spending. *Social Indicators Research*. <https://doi.org/10.1007/s11205-021-02607-9>

Atride Stirling theme analysis workshop in analyzing the indicators of the smart city governance model based on urban justice with the approach of electronic participation

Houreh Abedpour¹

Department of Information Technology Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ahmed Reza Kasraei²

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Ali Keramati³

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hassan Mehrmanesh⁴

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract: *The current research was conducted with the aim of analyzing the indicators of the smart city governance model based on urban justice with the approach of electronic participation. The participants of this research were municipal managers and urban planners with a teaching experience of at least 15 years and a master's degree or higher. The selection of people was done by purposive sampling with the criterion of teaching experience in the elementary education period. Sampling was done with the participation of 18 experts. The data collection tool consisted of two parts, 1- examination and exploration of upstream documents, urban planning documents in the library section, 2- semi-structured interview in the field section, where the semi-structured interview with the participants continued until the theoretical saturation stage. To analyze the qualitative data, the theme analysis method based on the Atride-Sterling model was used. In order to ensure validity, the interview questions were approved by 3- experienced urban planning and management experts, 1 of whom had a master's degree and 2 had a doctorate. And in order to measure reliability, Krippendorff's alpha coefficient was used, which was confirmed. ATLASTI software is used in the theme analysis. The results of the factor analysis show that among the -176 indicators (items) available, 33 basic themes can be identified and 9 categories of constructive themes have been obtained. The 9 first-level themes identified are: smart governance, smart interaction, smart sustainability, public and private sector cooperation, knowledge integration, smart innovation support, smart infrastructure, smart strategies and smart economy. The results show that the main output of the realization of the smart city and electronic municipality is the provision of conditions to provide services to citizens in the healthiest way, the elimination of corruption, the creation of new work and service opportunities and transformation in the economic and commercial sectors, increasing the effective presence of the private sector and Improving the business environment, reducing damage to the environment, smart governance and increasing people's satisfaction.*

Keywords: *Discourse, discourse analysis, social development, development programs, Islamic parliament.*

¹ Email: abedpour@ut.ac.ir

² Email: kasrai49@yahoo.com (Corresponding Author)

³ Email: mohammadalikeramati@yahoo.com

⁴ Email: h_mehrmanesh@yahoo.com